



www.bazr1384.com

www.bazr1384.blogfa.com

Email: bazr1384@gmail.com

## بیانیه نشریه دانشجویی بذر به مناسبت 22 بهمن

سی و یک سال از زمان مصادره ی انقلاب مردم ایران توسط آخوندها سپری شده است. از همین رو 22 بهمن در حافظه تاریخی ایرانیان در عین اینکه یادآور یک پیروزی بزرگ مردم در بزیر کشاندن سلطنت بوده، روز از کف رفتن دستاوردهای شان نیز هست. تا قبل از خرداد 88 و جنبش اخیر مردم، با دو نوع جریان فکری کاملاً متضاد مواجه بوده ایم؛ گروهی نه تنها مبارزات بسیار ارزشمند مردم در سالهای پیش از انقلاب را فراموش کرده بلکه واقعیت مصادره دستاوردهای آن مبارزات فراموش نشدنی بدست ارتجاع اسلامی را انکار کرده و یا از یاد برده بودند و همواره انقلابیون واقعی را به خاطر آن اقدامات محکوم می کردند.

دومین گروه، آن دسته از انقلابیون بودند که در سالهای پس از انقلاب 57 به مبارزه ای پیگیر در مقابل ارتجاع حاکم دست زده و اگر از قتلگاه های سالهای 60 رژیم جان سالم به در برده باشند، در طول این سالها با فراز و نشیب های بسیار از مبارزات انقلابی خود دست نکشیدند و در جهت افزایش آگاهی عمومی و افشای ظلم و ستم موجود کوشیده اند.

پس از سی و یک سال جنایات فراوان رژیم علیه مردم و سالها ظلم و بیداد و ستم علیه اقشار گوناگون جامعه، سر انجام در خرداد 88، انتخابات بهانه ای برای فوران خشم مردم گردید و آتش پنهان شده زیر خاکستر فوران نمود و اکثر ستمدیدگان را برای ابراز خشم و نفرت به خیابان کشانید. اینبار هر دو گروه دوشادوش یکدیگر برای ابراز خشم خود حضور داشتند. حضور آنان در خیابان این امکان را فراهم کرد تا چهره فریبکار و جنایتکار جمهوری اسلامی برای اکثریت مردم ایران و جهانیان آشکار گردد.

پس از سی و یک سال، امروز شاهد ضدیت عمیق مردم با جمهوری اسلامی، شاهد "شعارهای مرگ بر خامنه ای و مرگ بر جمهوری اسلامی" بر در و دیوارها، شاهد هزاران زندانی سیاسی پس از حرکت های اخیر و شاهد جانباختگان فراوان در حرکت های اعتراضی و زندان های مخفی این رژیم جنایتکار هستیم. از سوی دیگر شاهد شکل گیری حرکت های رادیکال مردم در روزهایی چون 13 آبان، 16 آذر و بویژه روز عاشورا بودیم که بر خلاف اهداف رژیم و اصلاح طلبان در آن روز پیش رفت و جریانی متضاد با کلیت جمهوری اسلامی شکل داد.

از همین رو امسال با وجود این ضدیت عمیق، 22 بهمن برای مردم آخرین روز از دهه فجر آخوندها نیست، آغازی دوباره است: برای شورش، فریاد علیه ظلم و از ریشه برکندن اساس ستم و استبداد و استثمار. از اینرو امسال حضور گسترده مردم بسیار ضروری است، ما دانشجویان و جوانان انقلابی با تمام نیرو و خشم خود به خیابان می آییم و روز 22 بهمن را از دزدانی که سی و یک سال پیش دسترنج مادران و پدرانمان را به غارت بردند باز پس می گیریم و با استفاده از این روز و سایر روزهای مبارزه در تلاش خواهیم بود تا خیزش را ادامه داده و رهایی جامعه را محقق نماییم.

برای کسب پیروزی واقعی بایستی نقاط قوت گذشتگان را سرمشق راهمان قرار دهیم و نقاط ضعف را نقد و اصلاح کنیم. باید خود را به علم انقلاب مسلح نماییم و با اتکا به دانش انقلابی مبارزه کنیم.

جمهوری اسلامی به دنبال مصادره انقلاب همواره تلاش داشته به تحریف تاریخ پرداخته و 22 بهمن را به نام خود ثبت نماید. در همین راستا با وجود آنکه نیروهای چپ نقش مهمی در انقلاب 57 ایفا کرده بودند نام آنان را از تمامی برنامه ها و رسانه هایش حذف کرده و نیروهای مذهبی و آخوند ها را نیروی اصلی آن انقلاب نشان می دهد و در نهایت آن روز انقلابی تحت عنوان یوم الله به عنوان روزی مذهبی از هویت اصلی اش تهی کرده است. در اقدامی مشابه اهداف مبارزات پس از بهمن 57 و تجارب انقلابی کسب شده در سالهای 60 - 57 را وارونه جلوه می دهد. در تاریخ فرمایشی آنان خبری از مقاومت کارگران و زحمتکشان شهر روستا در مقابله با ارتجاع اسلامی نیست؛ اشاره ای به 5 روز مقاومت شجاعانه زنان در هشت مارس 57 در مقابل فرمان حجاب اجباری نیست؛ صحبتی از مقاومت رزمنده مردم ترکمن صحرا، عربهای خوزستان و ده سال مقاومت مسلحانه مردم کردستان و قیام کمونیستها در سال 60 در آمل نیست. بی جهت نیست که با ابزارهای گوناگون؛ روزنامه، سخنرانی و برنامه های ساختگی تلویزیونی تلاش دارند این حقایق را وارونه جلوه دهند. وحشت فراوان سران جمهوری اسلامی تکرار دوباره آن حرکت ها و در خطر قرار گرفتن اساس نظام است.

22 بهمن فرصت مناسبی است برای مبارزه علیه جمهوری اسلامی و حرکت در جهت تغییر اساسی جامعه در جهت منافع عمومی مردم. اکنون وظیفه ماست که از تجربه انقلاب 57 در حرکت پیش رو استفاده نماییم. یکی از شباهت های مهم جنبش اخیر و سالهای منتهی به انقلاب 57، حضور تمامی اقشار و گروه ها در صف مبارزه است که به نوعی نقطه قوتی برای هر دو حرکت محسوب می شود اما از سوی دیگر عدم حضور رهبری رادیکال، انقلابی و مترقی است که بتواند این جنبش و حرکت انقلابی را در جهت رهایی حقیقی ستمدیدگان و در جهت منافع اکثریت مردم سوق دهد. در هر دو نمونه مشابه این نقطه ضعف بسیار مهمی محسوب می گردد.

همین نقطه ضعف بود که منجر شد خمینی بتواند با کمک امپریالیستها برای مصادره انقلاب به ضرر منافع عمومی مردم و به نفع صاحبان ثروت و قدرت، به ظاهر رهبر انقلاب گردد. بدین سان انقلابی که با هدف برچیدن هر گونه ظلم و ستم، استبداد و استثمار شکل گرفته بود به جانشینی شکلی از ارتجاع توسط شکلی دیگر از آن انجامید.

بنابراین، مهمترین مسئله ای که در خیزش جاری بایستی مورد توجه همگان و علی الخصوص جوانان رادیکال و انقلابی قرار گیرد، از میان بردن این نقطه ضعف است چرا که در صورت عدم توجه به این نقیصه، بار دیگر شاهد مصادره مبارزات مردم توسط نیروی ارتجاعي دیگری خواهیم بود. در این راستا بایستی در جهت متشکل شدن و تشکیل نهادهای انقلابی به منظور برنامه ریزی دقیق برای پیشبرد اهداف و خواسته های انقلابی مردم و جلوگیری از ادامه تلاش های رژیم در جهت سرکوب جنبش تلاش نماییم. نکته قابل توجهی که وجود دارد این است که برای جلوگیری از انحراف از اهداف انقلابی، بایستی به ماهیت خواسته ها و شعارهای موجود توجه بسیار نماییم تا بار دیگر افرادی چون خمینی نتوانند با مجموعه ای از شعارهای عوام فریبانه، رهبری این جنبش مردمی را در دست بگیرند.

از ویژگی های قابل توجه یک رهبری رادیکال "ضدیت با کلیت نظام جمهوری اسلامی" است. همانطور که همگان پس از گذشت چندین ماه مبارزه در خیابان در یافته اند که افرادی چون موسوی، کروبی و خاتمی علیرغم شعارهای فریبنده قبل از انتخابات و پس از آن، در واقع ضد منافع عمومی مردم حرکت کرده و تنها به دلیل دعوای جناحی و تضاد بر سر قدرت در مقابل جناح حاکم قرار گرفته اند و هم اکنون که اساس نظام را در خطر می بینند، همچون گذشته در برابر مردم صف آری کرده اند. مردم به تجربه دریافته اند که در نظام جمهوری اسلامی امکان اصلاحات در جهت منافع شان وجود ندارد و تنها راه رهایی، برهم زدن کلیه ساختارهای جمهوری اسلامی و ساختن جامعه ای نوین است.

ما علم مارکسیسم را علم رهایی جامعه می دانیم و برای تحقق جامعه کمونیستی تلاش می نماییم. به دنبال این هدف در شرایط کنونی در درجه اول جامعه ای را واجد تأمین منافع عمومی مردم می دانیم که فاقد حاکمیت دینی باشد. همانطور که در روزهای اخیر مردم نیز به این نتیجه رسیده اند و به طور وسیع ضدیت خود با حکومت دینی را در مبارزات خیابانی نشان داده اند.

ما خواهان جامعه ای عاری از ستم و استثمار هستیم. جامعه ای که با برنامه ریزی صحیح اقتصادی که مبنایش سود نباشد، نابسامانی های اقتصادی موجود که منجر به لگد مال شدن طبقات فرو دست زیر فشار سود آوری عده ای قلیل سرمایه دار وابسته به نظام امپریالیستی جهانی شده در جهت تعدیل نابرابری و رفع استثمار از میان برود. جامعه ای آزاد که قوانینش بر اساس شأن و منافع عموم انسانها باشد، قوانینی که عاری از هر گونه تبعیض جنسیتی، طبقاتی و ملیتی و مذهبی باشد. جامعه ای که در آن کلیه امور بدست مردم سپرده شود و توسط نهادهای مردمی اداره شود. جامعه ای که در آن دین از دولت کاملاً جدا باشد و در آن فرهنگی مترقی و بالنده حاکم باشد.

از این رو در 22 بهمن ما به خیابان می آییم، شورشگر، قاطع و هوشیار، تا بگوییم:

جمهوری اسلامی نمی خواهیم با تمام ساختارهای و نهادهای سرگوبگرانه اش و قانون اساسی ارتجاعي اش!

اعدام، شکنجه، تجاوز و زندان را نه تنها محکوم می کنیم بلکه خواهان از بین رفتن کلیه قوانین و مجازاتهای اسلامی و قوانین ضد انسانی در کلیات و جزئیاتش هستیم.

هیچ یک از نهادهای سرکوبگر و ستمگر را در هیچ لباس و فرمی بر نمی تابیم. پلیس مزدور، بسیجی قلدر، لباس شخصی چماق بدست نمی خواهیم!

ممنوعیت تجمع و تشکل، سرکوب اعتراض و خاموشی هر فریاد حق طلبانه ای را محکوم می کنیم!

بیش از این اجازه قتل و سرکوب دگراندیشان، روشنفکران، کارگران، دانشجویان و معلمان و ... را نمی دهیم!

سرکوب و فرودستی زنان و تبعیض جنسیتی نه در دانشگاه، نه در کارخانه، نه در خیابان و نه در خانه را دیگر تحمل نمی کنیم!

سرکوب مذهبی مردم، دخالت مذهب در تمام ارکان جامعه از سیاست و اقتصاد و آموزش و فرهنگ گرفته تا نظام قضایی و روابط شخصی و جنسی بس است. نمی خواهیم!

باندبازی با قدرتهای مختلف جهان سرمایه داری کفایت. ما یوغ وابستگی را که با بنیادگرایی اسلامی عجین شده دیگر نمی خواهیم!

دیگر پستی و حقارت برای تأمین نیازهای اولیه زندگی مان را تحمل نمی کنیم. غارت ثروتهای کشور و استثمار مردم کارکن توسط باندهای قلدر سپاهی و مذهبی را تحمل نمی کنیم!

آموزش و کتابهای مدرسه ای و دانشگاهی بی محتوا، مذهبی و خرافی، ضد زن، تسلیم طلبانه و هرزه پرور را به زباله دانی می افکنیم! بساط خرافات و دروغ از مراکز آموزش علم باید برچیده شوند!

استفاده از فاشیسم مذهبی و شوونیسم علیه ملل تحت ستم، اقلیتهای زبانی، اقلیتهای مذهبی، دگرباشان جنسی و ... را نمی خواهیم.

**ما به خیابان می آییم و فریاد می زنیم :**

تمام زندانیان سیاسی- عقیدتی باید سریعاً آزاد شوند.

آمرین و عاملین جنایتهای دوران حاکمیت این رژیم و قاتلین مردم در ماههای گذشته باید معرفی و در دادگاههای عادلانه با نظارت مردمی محاکمه شوند.

اسامی ربوده شدگان و جانباختگانی که در گورهای دسته جمعی یا انفرادی بی نام و نشان طی سی و یک سال اخیر مدفون شده اند باید مشخص و محل دفن آنها، دلیل جانباختن آنها، عقیده و باورشان و .. برای مردم روشن گردد.

ایجاد تشکل مستقل کارگری، دانشجویی، معلمان و انجمن های مردمی برای تمامی اقشار باید آزاد باشد و حق اعتصاب و اعتراض باید برسمیت شناخته شود.

برابری کامل حقوقی و اجتماعی زن و مرد باید میسر گردد و تمامی نهادها و قوانینی که مانع این برابری می شوند باید برچیده شوند.

برآوردن این خواسته ها هیچگاه با وجود این رژیم میسر نخواهد شد. تنها راه بدست آوردن آنها، درهم شکستن ساختارهای این نظم کهنه است. تحقق این خواستها تنها در گروه اتحاد و مبارزه خودمان است. برای اینکار نیاز داریم که همدیگر را پیدا کنیم. باید ساختار شکنان همدیگر را بیابند و متحد شوند و سازمان یابند. باید بدانیم که در برابر نیروهای مزدور سلاح بدست مجبوریم از خود دفاع کنیم. دفاع از خود و دفاع از آزادی های بدست آمده در خیابان نه تنها مشروع بلکه ضروری است. عده ای عافیت طلب ما را به برخورد مسیح وار دعوت می کنند و می گویند اگر یک سیلی خوردید طرف دیگر صورت خود را برگردانید تا سیلی دیگر زده شود. یا ما را نصیحت می کنند که مبارزه مان را در سکوت و آرامش و به شیوه مسالمت آمیز پیش ببریم. کدام عقل سلیمی باور می کند که این درندگان خونخوار بما رحم کنند؟ کدام عقل سالمی باور می کند که با سکوت ما هزاران زندانی و فعال سیاسی از زندان و کشتارگاهها رها خواهند شد؟ گردانندگان جمهوری اسلامی می دانند که ما برای چه به خیابان می آییم، برای فریاد زدن آنچه که نمی خواهیم و آنچه که می خواهیم. اینست که آنها را می ترساند. آنها می ترسند که در روز 22 بهمن ساختار شکنی در سطح کل جامعه بطور قطعی و نهایی فراگیر و تثبیت شود.

ما به خیابان می آییم و با نیروهای مستقل و رادیکال و رزمنده در خیابان بهم می پیوندیم و نیروی مبارزاتی مان را تقویت می کنیم، از طرف دیگر جلوی سکوت زشت علیه جنایتکاران و مامشات با آنان را می گیریم. ما می دانیم که با نزدیکی و اتحاد میان ما هم موج جدیدی از امید در صف مبارزاتی مردم راه خواهد افتاد و هم ترس ویژه ای بر دل دشمنان خواهد نشست. آری اگر با هم باشیم، اگر بر اهداف مان روشن باشیم می توانیم گامهای تعیین کننده ای در جهت پیروزی برداریم.